توکل، شادابی و نشاط

محمدرضا داودی

در شمارهٔ گذشته با دو عامل نشاط انسان که اعتقاد به یگانگی خداوند و توکل بر او بود، آشنا شدید؛ اینک با عامل سوم آشنا می‌شویم.

شناخت هدف

شناخت هدف صحیح زندگی یکی از عوامل شادابی است، چنانکه عدم آگاهی از آن موجب افسردگی می‌شود. یکی از مسائل مهم انسانی این است که افراد هدف زندگی را چه می‌دانند؟ آیا زندگی دنیوی برای آنان هدف اصلی است و یا آن را مقدمه‌ای برای یک زندگی طولانی و حقیقی دیگر می‌دانند؟ به دیگر عبارت، مقصود از زندگی برای فرد تنها خوردن و آشامیدن و شهوت‌رانی است،یا هدف آخرت و رسیدن به‌کمالات انسانی است و دنیا را وسیله‌ای برای کسب آخرت می‌داند؟ پاسخ به این پرسش، انسان را در یکی از دو دستهٔ شاداب یا افسرده قرار می‌دهد و در شادابی و افسردگی او تأثیر به‌سزایی

از نگاه دین، دنیا مطلوب ذاتی نیست؛ بلکه مطلوبیت ابزاری دارد. انسان باید برای دنیا تلاش کند، منتها تلاشش برای سعادت آخرت باشد. اگر انسان شبانه‌روز به فکر امور دنیایی باشد، در اندیشهٔ زن، فرزند، منزل، خوراک و پوشاک باشد، دیگر مجالی برای امور اخروی او باقی نمی‌ماند؛ اما کسی که ایمان به خداوند و عالم غیب دارد و هدف او انجام اعمال شایسته و کسب خشنودی خداوند است، همیشه در نشاط بوده، توانایی خود را به‌کار می‌گیرد تا کارهای خداپسندانه انجام دهد. برای چنین فردی، فرقی نمی‌کند دنیا به سویش رو کند یا به او پشت کند. اگر امکانات مادی به وی رو کرد، بهره می‌برد و هیچ‌گاه دچار خودپسندی و غرور نمی‌گردد و هرگاه دستش خالی بود، ناراحت نمی‌شود. غم و شادی او در حول دین و ایمان می‌چرخد. برای دنیا و آخرت با شور و نشاط فعالیت و تکاپو می‌کند، زیرا می‌داند که هرچه در این جهان بکارد، در آخرت برداشت می‌کند.

خداوند در آیهٔ زیر می‌فرماید:

وَابتَغِ فیما آتاک الله الدار الآخرة و لاتنس نصیبک من الدنیا ... قصص، ۷۷ (در آنچه خداوند به تو داده است، سرای آخرت را جست‌وجو کن، و سهم و بهره‌ات از دنیا را فراموش نکن.)

امام کاظم(ع) می‌فرمایند: «مراد از (و لاتنس نصیبک من الدنیا) این است: سلامت، قدرت، فراغت، جوانی و نشاطت را فراموش نکن، تا به وسیلهٔ آن آخرت را به دست آوری.»(۱)

از این آیه بر می‌آید که انسان برای هردوجهان باید کار کند، اما هدفش تلاش برای آخرت باشد.

خداوند در آیهٔ ذیل انسان‌ها را مخاطب قرار داده و سرنوشت آنان را در مسیری که در پیش دارند روشن ساخته است:

«یا ایها الإنسان انک کادح الی ربک کدحاً فملاقیه»(انشقاق، ۶)

(ای انسان تو با تلاش و رنج فراوان به سوی پروردگارت پیش می‌روی و سرانجام او را ملاقات خواهی کرد.) آیهٔ فوق اشاره به یک اصل اساسی در حیات انسان‌ها می‌کند، که زندگی او همواره با زحمت و رنج خواهد بود ـ حتی اگر هدف رسیدن به دنیا باشد ـ تا چه رسد به اینکه هدف آخرت و سعادت جاویدان و قرب پروردگار باشد. طبیعت زندگی دنیا در هیچ مرحله‌ای خالی از مشکلات و سختی‌ها نیست،خواه مشکلات مادی و بدنی و خواه سختی‌های روحی و روانی. حتی افرادی که در نهایت رفاه زندگی می‌کنند آنان نیز از زحمت و درد برکنار نیستند، گاه‌اینان مشکلات روحی بیشتری دارند.(۲)

امام سجاد(ع) می‌فرمایند: «... آسایش برای اهل دنیا آفریده نشده است، بلکه راحتی در بهشت و برای بهشتیان آفریده شده است. سختی و ناراحتی برای این عالم و اهل آن ساخته شده است. هرکس در این جهان [مال و ثروت] بیشتر دارد فقیرتر است، زیرا برای حفظ آن به افراد بیشتری نیازمند است. پس در ثروت دنیا راحتی نیست. اما شیطان او را وسوسه می‌کند که در جمع‌آوری اموال دنیا آسایش است، که او را به سختی در دنیا و پس دادن حساب در آخرت می‌کشاند. دوستان خداوند هرگز برای دنیا خود را به سختی نمی‌افکنند و تنها برای آخرت مشکلات را تحمل می‌کنند.» (۳)

بنابراین می‌توان گفت: جهان مادی و دنیایی که در آن زندگی می‌کنیم، وسیله‌ای است برای کسب آخرت و به دست آوردن کمالات انسانی. پس هدف انسان رسیدن به کمال (= نزدیک شدن به خداوند) است، نه دنیا. حال پیوند این مطلب با اصل بحث که گفتیم تعیین هدف از عوامل شادابی و نشاط، و نیز افسردگی است، چگونه خواهد بود؟

زندگی دنیا هم‌چون سرابی است که تشنه‌کامان را در بیابان سوزان تعلقات مادی به سوی خود فرا می‌خواند، اما هنگامی که به آن نزدیک می‌شوند، چیزی که عطش آنان را فرونشاند پیدا نمی‌کنند، بلکه دویدن در این بیابان سوزان آنان را تشنه‌تر می‌کند. امام صادق(ع) فرمود:

«دنیا هم‌چون آب دریا [شور] است که هرچه فرد تشنه بیشتر می‌نوشد، تشنه‌تر می‌شود تا او را بکشد.» (۴)

کسی که فضای روح او را دنیاطلبی و مادی‌گری پرکرده است و هدفی جز ثروت‌اندوزی و بهره‌گیری مادی ندارد، از آنجایی که بخش فراوانی از آنچه را می‌خواهد فراهم نمی‌گردد، دچار ناراحتی‌های فکری و تشویش روانی و در نتیجه افسردگی می‌شود. او همیشه به دنبال راحتی است که امام سجاد(ع) فرمود: «راحتی برای دنیا آفریده نشده است.» او در حقیقت نیازمند موجود بی‌نهایت، کمال و قدرت مطلق (= خداوند متعال) است، که خود خبر ندارد و آن را در ثروت و پست و مقام جست‌وجو می‌کرد و چون نمی‌یابد، ناراحت و افسرده است. امام صادق(ع) می‌فرمایند:

«دل هرکس به دنیا وابسته گردد، سه چیز نصیب دلش می‌گردد: اندوه بی‌پایان، آرزویی که بدان نرسد، امیدی که به آن نایل نشود.» (۵)

کسی که هدف را بالاتر از امور مادی دانسته، به این جهان به دید مقدمه و مزرعه نگاه می‌کند؛ هر مقدار ازامکانات مادی که به او رسد، از آن‌ها بهره برده، خدا را بر آن شاکر است، و از آنچه به او نرسیده، هیچ نگران نیست و نیک می‌داند که یا مصلحت نبوده، یا خود لیاقت نداشته است و باز خدا را شاکر است که چیزی که به نفع او نبود نصیبش نشده است. چنین انسانی هرگز نشاط خود را در ادامهٔ حیات و فعالیت از دست نمی‌دهد.

مطلبی دیگر در اهمیت کار برای دنیا و منافات نداشتن دنیا با آخرت، از امام کاظم(ع) نقل می‌کنیم:

«اعمل لدنیاک کانک تعیش ابدا، و اعمل لآخرتک کانک تموت غدا»(۶) (برای دنیای خود چنان کار کن که گویا جاودان زنده می‌مانی، و برای آخرت چنان عمل کن که گویا فردا می‌میری.)

این روایت چنان شور و نشاطی در انسان‌ها به وجود آورد و آنان را به کار و تلاش برای دنیا و آخرت وا می‌دارد، که برای هردو بخش کوشا باشند و از تنبلی و کسالت بپرهیزند. انسان می‌داند که روزی مرگ او فرا می‌رسد، اما زمان آن را نمی‌داند و هر آن ممکن است مرگ، طومار زندگی او را در هم پیچد و به عالم برزخ سفر کند. از طرفی شاید تا صدسال دیگر و یا تا ابد زنده بماند و به زندگی ادامه دهد. پس با شادابی برای امور مادی و گذراندن زندگی کار و فعالیت می‌کند و هنگام عبادت نیز نشاط خود را حفظ کرده، اعمال عبادی را با شور و نشاط انجام می‌دهد؛ گویا آخرین نماز را می‌خواند، و ...

پی‌نوشت‌ها در دفتر مجله موجود می‌باشد.